



The Model of Educating Successor in the Conduct of the Holy Prophet (PBUH) with Emphasis on the Sermon of Ghadir*

Seyyed Mortaza Honarmand^۱
Ali Haratian^۲

Abstract

Jihadi administrations inspired by the Islamic faith and the belief in the principle of “we can” that the great Imam has taught us all, led Iran to glory and progress in all areas, is one of the turning points of the declaration of the second step. Ghadir Sermon is the most important sermon of the Prophet (PBUH) in representing the succession of Islam and the supreme example of Islamic management in the conduct of the Holy Prophet, which is important for extracting patterns and intellectual frameworks in the administration of contemporary Islamic society; Especially since many theories of public administration and human resource management are derived from Western sources and in terms of epistemological and anthropological foundations, do not correspond much with the Islamic approach. The purpose of this article is to explain and interpret the model extracted from the conduct of the Holy Prophet for educating successor as a model of Islamic succession by maintaining general steps and concepts to adapt to the temporal, spatial and social conditions for training managers in different organizations, institutions and centers. Also, this model can be used as a criterion in managerial and religious issues to analyze and interpret the historical events of early Islam, such as the formation of religious sects, political crises, social discontent, and so on.

Keywords: Declaration of the Second Step, Succession Educating Model, Ghadir Sermon.

*. Date of receiving: ۰۴، ۰۹، ۲۰۲۱ - Date of approval: December ۲۰، ۱۲، ۲۰۲۱.

۱). Assistant Professor, Department of Islamic Education, Malayer National University, (Corresponding Author); (navust@yahoo.com).

۲). Master of Business Administration, (haratianali@yahoo.com).



الگوی جانشین‌پروری در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

با تأکید بر خطبه غدیر*

سید مرتضی هنرمند^۱ - علی هراتیان^۲

چکیده

مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید از نقاط عطف بیانیه گام دوم است. خطبه غدیر، مهم‌ترین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در بازنمایی جانشین‌پروری اسلامی و نمونه‌اعلای مدیریت اسلامی در سیره نبی اکرم است که برای استخراج الگوها و چارچوب‌های فکری در اداره جامعه اسلامی معاصر، حائز اهمیت است؛ به‌خصوص آنکه بسیاری از تنوری‌های اداره امور عمومی و مدیریت منابع انسانی، برگرفته از منابع غربی است و به‌لحاظ مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی، با رویکرد اسلامی مطابقت چندانی ندارد. هدف این مقاله، تبیین و تفسیر الگوی استخراج شده از سیره پیامبر اکرم برای جانشین‌پروری به‌عنوان یک الگوی جانشین‌پروری اسلامی با حفظ مراحل و مفاهیم کلی به جهت انطباق با شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی برای پرورش مدیران در سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز مختلف است. همچنین، این الگو می‌تواند به‌عنوان معیاری در مباحث مدیریتی و دینی برای تحلیل و تفسیر رویدادهای تاریخی صدر اسلام همچون شکل‌گیری فرقه‌های مذهبی، بحران‌های سیاسی، نارضایتی‌های اجتماعی و غیره به‌کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، الگوی جانشین‌پروری، خطبه غدیر.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ملی ملایر، ایران، (نویسنده مسئول)؛ (navust@yahoo.com).

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه ملی ملایر، ایران؛ (haratianali@yahoo.com).

مقدمه

بحث جانشین‌پروری در اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش، به قدری مهم و حیاتی مطرح گشته که مهم‌ترین وظیفه پیامبر اسلام ﷺ به حساب آمده و تمام زحمات آن حضرت را در دوران بیست و سه سال نبوتش، تحت تأثیر قرار می‌دهد. متأسفانه، به این مورد در مدیریت غربی توجه چندانی نشده و اهمیت آن نادیده گرفته شده است؛ به نحوی که در وظایف مدیریتی که در مدیریت غربی بیان می‌شود، وظیفه جانشین‌پروری به چشم نمی‌آید. این در حالی است که اگر در امر جانشینی، توجهات لازم صورت نگیرد، می‌تواند تمام زحمات مدیر در دوران مدیریتش را از بین ببرد. با این حال، اخیراً کسانی همچون روثل^۱ (۲۰۰۳)، کاران^۲ (۲۰۰۰)، بایهام^۳ (۲۰۰۲)، و کیم^۴ (۲۰۰۶)، به تبیین مدل‌ها و الگوهایی برای جانشین‌پروری پرداخته‌اند، که البته عمری کمتر از صد سال دارد.

در باب اهمیت انجام این پژوهش باید گفت با توجه به ظرفیت خطبه غدیر در بازنمایی جانشین‌پروری اسلامی که نمونه‌اعلای مدیریت اسلامی در سیره نبی اکرم است، استخراج الگوها و چارچوب‌های فکری برای اداره جامعه اسلامی معاصر، حائز اهمیت است. خاصه آن‌که بسیاری از تئوری‌های اداره امور عمومی و مدیریت منابع انسانی، برگرفته از منابع غربی است و به لحاظ مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی، با رویکرد اسلامی مطابقت چندانی ندارد. ضمن آن‌که با توجه به گرایش‌های علمی نوین به تدوین الگوهای بومی توسعه و تأکیدات مقام معظم رهبری بر تدوین و کاربردی‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، طراحی الگوهای برگرفته از متون اصیل اسلامی و سیره ائمه معصومان علیهم‌السلام در اداره امور عمومی و مدیریت بخش دولتی به‌عنوان عنصر محوری و مجری برنامه‌های پیشرفت، ضرورت می‌یابد. این پژوهش، با چنین دیدگاهی به دنبال استخراج الگوی جانشین‌پروری مدیران در نظام اسلامی با استناد به سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد.

اگرچه جانشین‌پروری در ابتدایی‌ترین تعریف خود به شکل ساده، «تعیین راهبران آینده» تعریف

۱. Rothwell.

۲. Charan.

۳. Byham.

۴. Kim.



می‌شود؛ اما در واقع، این برنامه‌ریزی، نشأت گرفته از راهبرد سرمایه‌انسانی به‌عنوان فرایندی ارادی، به منظور اطمینان از تداوم رهبری در منصب‌های کلیدی، حفظ و توسعه سرمایه معنوی و سرمایه دانش برای آینده و تشویق افراد به توسعه است (هلتون و جکسون، ۲۰۰۷).

موضوع جانشین‌پروری و اهمیت آن در مدیریت اسلامی، از همان بدو پیدایش اسلام و آغاز نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از آغاز بعثت در کنار امر تبلیغ، به تربیت جانشین خویش پرداخته است و بارها علی علیه السلام را به‌عنوان جانشین خود معرفی کرده و به بیان صفات و شایستگی‌های جانشینان پس از خویش پرداخته است، که مجموع آن را می‌توان در خطبه غدیر مشاهده نمود. خطبه غدیر، خطبه‌ای است که صرفاً درخصوص جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایراد شده است و در آن نکته‌های بسیاری درخصوص جانشین‌پروری وجود دارد.

روش این پژوهش، توصیفی، تحلیلی و استنباطی، از نوع تحلیل محتوای کیفی می‌باشد و در آن، خطبه غدیر و برخی از متون تفسیری قرآن کریم و روایات، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش که به روش کیفی انجام شده، از فرم‌وارسی دارای پیش‌سازمان‌یافتگی استفاده شده است و جملات و عبارات منتخب، به انضمام متن فارسی و نشانی در حوزه‌های مراحل فرایند جانشین‌پروری، برخاسته از چارچوب نظری به‌عنوان روش یا پیش‌نیاز درج شده است.

مرحله اول: تعیین خط مشی

خط‌مشی، مشخص‌کننده محدوده‌ای است که تصمیم‌های آتی باید در داخل آن اتخاذ شوند (رضائیان، ۱۳۸۰). خط‌مشی در فرایند جانشین‌پروری پیامبر اسلام به‌عنوان اصل تعیین‌کننده محدوده تصمیم‌گیری، سلسله مراتب و مسئولیت‌های جانشین، اهمیت بسزایی دارد و فرایند برنامه‌ریزی و اجرایی جانشین‌پروری، همواره در قلمرو تعیین‌شده توسط خط‌مشی صورت گرفته، و تصمیمات، با قید سازگاری با خط‌مشی اتخاذ می‌گردد. افزون بر آن، خط‌مشی را باید یک معیار و شاخص مهم در برخورد و انتظارات زیردستان به حساب آورد. در خطبه غدیر، شاهد تبیین و تشریح خط‌مشی اسلامی در سخنرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستیم، که در زیر به‌صورت مختصر در جدول آمده است:



اهداف	خداوندا! اکنون، علی <small>علیه السلام</small> ، ولی تو را به خلافت و جانشینی خود معین کردم؛ امری که موجب اکمال دین و اتمام نعمت تو بر این مردم است (نقویان، ۱۳۷۴).
راهبرد	ای مردم، خداوند عزوجل، کمال دین شما را در امامت و پیشوایی علی <small>علیه السلام</small> قرار داده است (عمادزاده، ۱۳۸۰).
جایگاه	ای مردم! علی <small>علیه السلام</small> و آن پاکان از فرزندانم [که از صلب علی و جانشینان پس از او هستند]، ثقل اصغرند، و قرآن، ثقل اکبر است، که هر یک از دیگری خبر می‌دهند و هر کدام دیگری را تأیید و تصدیق می‌کنند. میان این دو ثقل و این دو امر گران‌قدر، جدایی نخواهد بود تا آن‌که قیامت در کنار حوض، به من برسند. ایشان، امنای حق در میان خلق و فرمانروایان او بر زمین‌اند. علی بن ابی‌طالب، برادر و وصی و جانشین من و امام پس از من است که نسبتش به من، همان نسبت است که هارون به موسی داشت؛ با این تفاوت که رسالت به من خاتمه یافته است و بعد از خداوند و رسولش، علی <small>علیه السلام</small> ، ولی و صاحب اختیار شماست و پیش از این هم، خداوند در این مورد آیه‌ای دیگر از قرآن را نازل فرموده: «تنها ولی و صاحب اختیار شما، خدا و پیامبرش و هم آن کسانی‌اند که ایمان آورده و نماز به پای داشته و در حالت رکوع، زکات می‌دهند» (عمادزاده، ۱۳۸۰).
حیطه نظارت	ای مردم، بدانید که خداوند، ... فرمان علی <small>علیه السلام</small> را بر همه مهاجران و انصار و پیروان ایمانی ایشان و بر هر بیابانی و شهری و بر هر عجم و عرب و هر بنده و آزاده‌ای و بر هر صغیر و کبیری و بر هر سیاه و سپیدی و بر هر خداشناس موحدی، فرض و واجب فرموده است (نقویان، ۱۳۷۴).
دامنه اختیارات	من کنت مولاه فهذا علی مولاه
وظایف	این علی است که پس از من، تعلیم و تفهیم شما را بر عهده خواهد داشت.
اکمال دین اتمام نعمت	
امامت و ولایت علی <small>علیه السلام</small>	
ثقل اصغر برادر، جانشین و امام مردم پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> صاحب اختیار مردم پس از خدا و پیامبر	



تبیین معارف و احکام	این علی <small>علیه السلام</small> ، ولی و سرپرست شما، مبین معارف و احکام دین برای شماست (عمادزاده، ۱۳۸۰).	
تبلیغ تبعیت	باید که ماجرای امروز را حاضران به غایبان گزارش کنند و پدران به فرزندان، تا واپسین روز خبر دهند. خداوند، اوامر علی <small>علیه السلام</small> را مطاع و بر هر کس نافذ و لازم الاجرا مقرر کرده است (عمادزاده، ۱۳۸۰).	حقوق

مرحله دوم: شناسایی شایستگی‌های جانشینی

شناسایی شایستگی‌ها، یک مؤلفه مهم در یک برنامه جانشین‌پروری موفق است (روثول، ۲۰۰۲). بنا بر گفته دوپیسو روثول (۲۰۰۴)، شایستگی‌ها، ویژگی‌هایی هستند که افراد به منظور رسیدن به عمل‌کرد مورد انتظار استفاده می‌کنند. این ویژگی‌ها، شامل مهارت، دانش، تصوّر از خود، انگیزه‌های اجتماعی، خصوصیات، الگوهای فکری و روش‌های احساس و عمل هستند (ویگل، ۲۰۰۶). شناسایی شایستگی‌های کلیدی مورد نیاز در هر سطح رهبری، شناسایی و ارزیابی رهبران حال و آینده با قابلیت را امکان‌پذیر می‌سازد (فالمر و کانگر، ۲۰۰۴). در این قسمت، شایستگی‌های لازم جهت جانشینی انبیاء که همان خلیفه الهی است را با مراجعه به آیات وحی، روایات و سخن عالمان، تبیین می‌نماییم.

۱. علم و توان‌مندی

آیت‌الله جوادی آملی، در تفسیر تسنیم، ذیل داستان خلافت الهی حضرت آدم علیه السلام بیان می‌کند که عناصر محوری خلافت الهی، از علم و توان‌مندی تشکیل شده است. از این رو، انسان حتماً باید اولاً از حقایق جهان، که مظاهر اسماء حسناى الهی است، آگاه باشد و ثانیاً توان اداره آنها را داشته باشد. در جریان خلافت حضرت آدم علیه السلام، تنها به علم انسان به اسماء اشاره شد و به توان‌مندی وی اشارتی نرفت و این اختصار، یا برای روشن بودن توان‌مندی انسان است و یا برای آن است که یکی از ویژگی‌های علم به

۱. Dubois & Rothwell.

۲. Weigel.

۳. Fulmer & Conger.



اسماء الهی، توانمند شدن است؛ یعنی علم مزبور، خصوصیتی دارد که توانمندی را به همراه خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹۹/۳). در همین راستا، می‌توان به آیه ۲۴۷ سوره بقره اشاره کرد. زمانی که قوم بنی اسرائیل، به پیامبرشان حضرت سموئیل علیه السلام می‌گویند: فرمانده‌ای برای ما مشخص کن تا به جنگ حاکم ستمگر برویم، پیامبرشان پاسخ می‌دهد: خداوند، طالوت را به فرماندهی شما برگزید؛ زیرا دارای علم و توانمندی لازم برای این مسئولیت است.

۲. حسن سابقه

در قرآن کریم، خداوند پس از بیان داستان خلافت الهی حضرت آدم علیه السلام در سوره بقره، به پرسش حضرت ابراهیم علیه السلام در خصوص شایستگی دودمان خود برای جانشینی در امامت و پیشوایی مردم اشاره نموده و شرط آن را «لاینال عهدی الظالمین» معرفی می‌کند: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (بقره: ۱۲۴) [به خاطر آورید] هنگامی که خداوند، ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگونی آزمود؛ و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم علیه السلام عرض کرد: «از دودمان من [نیز امامانی قرار بده]. خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد» [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند].

قمی، در تفسیر این آیه می‌نویسد: «در این آیه، ظاهر آیه دلالت دارد بر آن‌که کسی که ظالم باشد، ولو در یک آن از ازمونه سابقه، ابداً قابل تصدی امامت نیست و به نظر حقیر، این معنی از مناسبت حکم با موضوع استفاده می‌شود؛ زیرا معلوم می‌شود عدم نیل به امامت، معلول ظلم است و در مقام اعطاء منصب اگر بگویند این منصب به ظالم نمی‌رسد، معلوم می‌شود ظلم، سوء سابقه‌ای است که مانع از رسیدن به مقام است و این مقام، حسن سابقه لازم دارد و نیز معلوم می‌شود که باید امام معصوم باشد». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷۰/۱)

قطب‌الدین راوندی در قصص الانبیاء (۱۴۰۹: ۸۵)، علامه مجلسی در حیات القلوب (۱۳۷۸: ۱۴۷/۱ و ۲۴۸)، و بسیاری دیگر از بزرگان، روایتی را با سند معتبر از امامزاده عبدالعظیم از امام هادی علیه السلام نقل کرده‌اند که حضرت نوح، سه فرزند به نام‌های سام، حام و یافث داشته که نسل بشر از آنان است. روزی در کشتی باد وزید و بدن نوح، برهنه شد. حام و یافث خندیدند؛ اما سام پدر را پوشاند و وقتی نوح بیدار شد، آن دو را نفرین کرد و برده سام قرار داد و این سبب جانشینی سام شد.



۳. تقوای الهی

ماجرای جانیشینی هاییل، در آیات ۲۷ الی ۳۱ سوره مائده ذکر شده است. در این داستان، آمده زمانی که قابیل از پذیرفته شدن قربانی هاییل ناراحت شد، تصمیم به قتل برادر گرفت و به هاییل گفت: «به خدا سوگند که تو را خواهم کشت» (مائده: ۲۷) اما هاییل در پاسخ برادرش، به تقوای الهی اشاره کرده و گفت «... إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷) «... خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد». صادقی تهرانی، در کتاب الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ذیل این آیه بیان می کند که این تعلیل که خداوند، قربانی اهل تقوا را می پذیرد، ضابطه قطعی است که استثناء پذیر نیست؛ یعنی این نوع انتخاب، براساس معیار تقواست که وابسته به اعمال خود انسان هاست (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹۱/۸). و در ادامه افزود: «اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم و مرتکب این گناه نمی شوم» (مائده: ۲۸) «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (مائده: ۲۸) «چراکه همانا از پروردگار جهانیان می ترسم»؛ که این جواب نیز دلیل دیگری برای نشان دادن تقوای هاییل است.

مرحله سوم: شناسایی فرد شایسته

برای انتخاب فرد شایسته، آزمون لازم است. این آزمون، به دو شکل ارزیابی و ارزشیابی انجام می گردد. منظور از ارزیابی، بررسی ویژگی های شخصیتی از نظر هوش، ذکاوت، تعهد، انضباط، صفات اخلاقی و... است؛ درحالی که ارزشیابی، به ارزش گذاری بر عملکرد، وظیفه و کاری که به افراد واگذار شده، می پردازد. در بحارالانوار، به نقل از امام باقر علیه السلام آمده است که حضرت علی علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، در هفت مورد، در بوتۀ آزمون الهی قرار گرفتند، که چهار آزمون برای ارزیابی و سه آزمون برای ارزشیابی اتخاذ شد.

۱. آزمون ارزیابی

آزمون ارزیابی، درواقع تدوین فرایندی است برای تعیین این که افراد، با چه پیشرفتی برای شایستگی های لازم برای جانیشینی، آماده می شوند. این فرایند، با تعیین نیازمندی های افراد برای ترقی به پست های بالاتر و با مسئولیت های بیش تر و یا پست هایی که نیاز به دانش و توان بیشتری دارد، در ارتباط است.

نمونه این آزمون، در قرآن چنین آمده: زمانی که خداوند به فرشتگان فرمود: می خواهم در زمین



جانشینی قرار دهم، ملائکه ادعای شایستگی برای مقام خلافت کرده، و اذعان کردند که آدم این شایستگی را ندارد، و چون لازمه این مقام آن است که خلیفه خداوند، اسماء را بداند، خدا همه نام‌ها را به آدم علیه السلام تعلیم نمود. پس از آن، همه آنان را به فرشتگان عرضه کرد و از ملائکه از اسماء پرسید، و آن‌ها اظهار بی‌اطلاعی کردند؛ و چون از آدم پرسید و جواب داد، به این وسیله، لیاقت آدم برای حیازت این مقام، و نیز عدم لیاقت فرشتگان ثابت گردید.

آزمون ارزیابی برای علی علیه السلام، در چهار جریان زیر مشاهده می‌شود:

۱. یوم الدار: که در سال سوم بعثت رخ داد و پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد تا دعوتش را از اقوام شروع

نماید که در آن جلسه، تنها علی علیه السلام دعوت پیامبر را پذیرفت.

۲. لیلۃ المبيت: شب هجرت پیامبر از مکه به مدینه و خوابیدن علی علیه السلام در بستر حضرت رسول صلی الله علیه و آله.

۳. در جنگ خندق و مبارز طلبیدن عمرو بن عبدود: که هیچ‌یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، جرأت مقابله با وی را نداشت و حضرت علی علیه السلام به مبارزه شتافت و او را از پا درآورد.

۴. در تلاوت آیات اولیه سوره براءت در مکه: اکثر مردم مکه، به دلیل کشته شدن بزرگان‌شان در جنگ، توسط حضرت علی علیه السلام، تشنه خون حضرت بودند؛ با این وجود، حضرت مأموریتش را به نحو احسن و بدون هیچ ترسی انجام داد (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/باب ۶۳).

۲. آزمون ارزش‌یابی

آزمون ارزش‌یابی، در واقع تدوین فرایندی است برای تعیین این‌که عمل‌کرد افراد، متناسب با شایستگی‌های تعیین‌شده برای جانشینی، از چه کیفیتی برخوردار است. این فرایند، با قرارگرفتن فرد در موقعیتی خاص، به صورت اتفاقی و یا از پیش تعیین‌شده که در آن، عمل‌کرد وی برآورد گردد، حاصل می‌شود.

مصادق این آزمون، در داستان جانشینی حضرت آدم علیه السلام مشهود است. هنگامی که حضرت آدم علیه السلام اولین پیامبر الهی، از طرف خداوند مأمور شد که هابیل را به‌عنوان وصی و جانشین خود انتخاب کند، حسادت قابیل، او را به مخالفت با این دستور خدا برانگیخت و به این امر اعتراض کرد؛ زیرا توهم برتری خود بر هابیل را داشت؛ اما خداوند جهت نشان دادن مقام و منزلت هابیل بر قابیل،



دستور داد که برای خدا قربانی انجام دهند، قربانی هرکس پذیرفته شد، جانشین حضرت آدم است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۶۱۰/۱). هابیل چون دامدار بود، یکی از بهترین گوسفندان خود را برای این کار انتخاب نمود، و قابیل که مردی کشاورز بود، از بدترین قسمت زراعت خود برای این منظور تهیه کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۴۸/۴)؛ در نتیجه قربانی هابیل پذیرفته شد.

همچنین در داستانی ذیل آیه ۷۸ سوره انبیاء برای انتخاب جانشین حضرت داود علیه السلام آمده است که روزی دو نفر (کشاورز و دامدار) برای شکایت نزد حضرت داود علیه السلام آمدند. کشاورز گفت: گوسفندهای این شخص به باغ انگور من آمده‌اند و انگورهای مرا خورده‌اند. خداوند به داود علیه السلام وحی کرد: همه فرزندان خود را جمع کن، هرکدام از آن‌ها که در این مورد، قضاوت صحیح کرد، وصی تو خواهد بود. داود علیه السلام فرزندان خود را جمع کرد و آن دو در حضور آن‌ها شکایت خود را طرح کردند. سلیمان علیه السلام، به صاحب گوسفند گفت: من داوری کردم که بچه‌ها و پشم امسال گوسفندان تو، مال صاحب باغ باشد. داود علیه السلام به سلیمان گفت: چرا حکم نکردی که خود گوسفندان را بدهد، با این که علمای بنی اسرائیل آن را قیمت کرده‌اند و بهای انگور با گوسفندان برابر است؟ سلیمان گفت: درخت‌های انگور، از ریشه کنده نشده‌اند، بلکه تنها میوه آن خورده شده و سال آینده، میوه خواهد داد. خداوند به داود علیه السلام وحی کرد که حکم در این جریان، همان است که سلیمان داوری کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۰/۱۴-۳۱۴)

آزمون ارزشیابی برای علی علیه السلام در سه واقعه زیر مشاهده می‌شود:

۱. در جنگ بدر: با این که سن حضرت، کمتر از سایر رزمندگان بود؛ اما اکثر کشتگان قریش به دست باکفایت ایشان انجام شد.

۲. در جنگ احد: که اکثر مسلمانان، پیامبر را تنها گذاشته و فرار کردند، جبرئیل ندا داد: «الاسیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی» و حضرت علی علیه السلام تا آخرین لحظه ایستادگی کرده و از جان پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع نمود.

۳. در جنگ خیبر: که مسلمین در جنگ با یهودیان خیبر، سه روز شکست خوردند و در روز چهارم، حضرت علی علیه السلام با پیروزی بازگشتند (بحار الانوار، ج ۳۸، باب ۶۳).

نتیجه این آزمون‌ها، با توجه به شایستگی‌های تعیین شده در قسمت قبل، در خطبه غدیر چنین آمده: علم: پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر در خصوص علم و دانش امام علی علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند، غیر این مرد که هم‌اکنون دست او را گرفته و او را برکشیده‌ام، هرگز دیگری نیست که بتواند



دستورات قرآن را برای شما روشن کند و تفسیر آیات آن را بیان نماید» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۱؛ عمادزاده، ۱۳۸۰). همچنین حدیث معروف «انا مدینه العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فیات الباب» (ابن بابویه، بی تا: ۷۳/۱)، تأیید دیگری بر این مدعاست.

توانمندی: پیامبر اکرم در خطبه غدیر در بیان توانمندی‌های علی علیه السلام می‌فرماید: «اوست که مردم را به حق دعوت می‌کند و اوست که به هر چه موجب رضا و خشنودی خداست، عمل کننده است. اوست که با دشمنان حق در پیکار و به فرمانبرداری از خدا، سخت‌کوش و بازدارنده‌ی مردمان از معاصی است. اوست خلیفه رسول خدا، اوست امیر مؤمنان و پیشوا و هادی خلق خدا. اوست که به امر خدا قاتل «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ عمادزاده، ۱۳۸۰). «اوست هادی به حق و عامل به حق و نابودکننده باطل و بازدارنده مردم از زشتی‌ها. اوست که در راه خدا از سرزنش هیچ‌کس پروا نمی‌کند» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ نقوی، ۱۳۷۴).

حسن سابقه: علامه امینی در الغدیر، در خصوص پیش‌گامی امام علی در پذیرش اسلام آورده است که: «ابوجعفر اسکافی معتزلی (م ۲۴۰ ق)، در رساله خود می‌نویسد: «همه مردم می‌دانند که علی علیه السلام افتخار پیش‌گامی در پذیرش اسلام را دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله روز دوشنبه مبعوث شد و علی علیه السلام، روز سه‌شنبه، ایمان آورد و پیوسته می‌فرمود: من هفت سال قبل از دیگران نماز خواندم و من نخستین کسی هستم که اسلام آوردم. این مسئله، از هر مشهوری، مشهورتر است و ما کسی را در گذشته نیافته‌ایم که اسلام علی علیه السلام را سبک بشمرد یا بگوید او اسلام آورد در حالی که کودکی خردسال بود. عجب این‌که افرادی همچون عباس و حمزه، برای پذیرش اسلام، منتظر عکس‌العمل ابوطالب بودند؛ ولی فرزند ابوطالب، هرگز منتظر پدر نشست و ایمان آورد» (امینی، ۱۳۶۳: ۲۳۶/۳ - ۲۳۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله، در بیان کامل‌تر سوابق و حسن سابقه امام با اشاره به پیش‌گامی‌ها و فداکاری‌های ایشان می‌فرماید: «او نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و جان خویش را فدای رسول‌الله کرد. در آن هنگامه که هیچ‌کس در کنار پیامبر باقی نماند، همچنان از او حمایت کرده و تنها رها ننمود و هم او بود که در آن روزگار که کسی را اندیشه عبادت و پرستش خدا نبود، در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، پروردگار خود را پرستش و عبادت می‌کرد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۱؛ حبیبی افروزی، ۱۳۹۴).

تقوای الهی: در خطبه غدیر آمده است: «خداوند عزوجل و من، از علی راضی و خشنودیم. آیه‌ای در قرآن، مُشعر به رضایت حق از بندگان، نازل نشده، مگر آن‌که در شأن علی است و هر جا که خداوند مؤمنین را مخاطب قرار داده، در درجه نخست، نظر به او داشته است. آیه مدحی نیست، مگر آن‌که



در مورد اوست و بهشتی که در سوره (هل أتى على الإنسان) یاد شده، برای اوست؛ و در نزول آن، دیگری جز او منظور نشده و دیگری جز او مدح و ستایش نشده است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱)؛ عمادزاده، (۱۳۸۰).

مرحله چهارم: آموزش

آموزش، تعلیم و یاد دادن دانش و مهارت به دیگری است. پس از این که فرد شایسته شناسایی شد، با توجه به شرایط احراز مسئولیت شناسایی شده، برنامه‌های آموزشی مورد نیاز برای آماده‌سازی فرد شایسته برای تصدی مسئولیت مشخص می‌شوند. جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بایستی از آموزش‌های لازم قرآن و سنت نبوی برخوردار باشد تا در راستای برطرف نمودن مشکلات جامعه و راهنمایی امت اسلامی گام بردارد و شیوه تکامل و صراط مستقیم را نشان دهد. درباره فرآیندهای آموزشی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در خصوص امام علی علیه السلام، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. تعلیم به جای تدریس

تعلیم یک شیء، از تعلّم و یادگیری آن جدا نیست. تعبیر به «عَلَّمَ» در جایی است که حقیقت علم در جان متعلّم بنشیند؛ برخلاف تدریس که با جهل و عدم توجه مخاطب نیز قابل جمع است؛ یعنی گاهی مؤثر است و اثرش یادگیری است و گاهی هم اثری نمی‌بخشد. آنچه در جوامع علمی بشر رایج است، تدریس است، نه تعلیم. پس ممکن است فراگیری را در پی داشته باشد و محتمل است نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۶/۳). «ای مردم! دانشی نیست که خداوند به من تعلیم نکرده باشد و من نیز هر چه که تعلیم گرفته‌ام، به علی، این امام پرهیزگاران و پارسایان آموخته‌ام و دیگر دانشی نیست، مگر آن که به علی تعلیم کرده‌ام و اوست امام و راهنمای آشکار» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۱).

۲. تعلیم بی واسطه و با واسطه

تعلیم علی علیه السلام، گاه بی واسطه توسط خداوند صورت می‌پذیرفته، و گاهی نیز این تعلیم به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌گرفته است. در خطبه غدیر آمده است: «ای مردم! خداوند، مرا به پاره‌ای از امور امر کرده و از پاره‌ای دیگر نهی فرموده است، و من نیز علی علیه السلام را به آن امور، امر و نهی کرده‌ام؛ پس در حقیقت، او اوامر و نواهی حق را از پروردگار خود أخذ نموده است» (همان، ۶۲/۱) همچنین در تحف العقول و بحار الأنوار آمده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «من ادیب خدا، و علی ادیب من



است»؛ یعنی رسول خدا ﷺ به‌طور مستقیم با آداب الهی تربیت می‌گردد و علی‌علیه السلام نیز با همان آداب خداوندی؛ اما از طریق پیامبر عزیز اسلام تربیت می‌شود. قال علی علیه السلام: «ان رسول الله ادبه الله و هو ادبني و انا اؤدب المؤمنين و اورث الاداب المکرمين: همانا رسول خدا با آداب الهی مؤدب گردیده، و او نیز مرا با همان روش تربیت نموده، و من هم وظیفه دارم مؤمنین و پیروان خویش را به همان کیفیت پرورش داده، و ارزش‌های واقعی را ترویج نمایم (حرانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴، علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱۴/۷۷). چنان‌چه مشاهده می‌شود، در این دو حدیث، تربیت و ادب مولای متقیان از طریق پیامبر خدا صورت گرفته است.

۳. اسوه‌سازی

ارائه الگو و سرمشق و یا به تعبیر قرآن کریم «اسوه»، مورد اهتمام خداوند متعال برای هدایت و راهنمایی بشر بوده است. «اسوه» معمولاً در مورد پیروی کردن از دیگران در اعمال نیک به‌کار می‌رود. معرفی الگو و سرمشق کامل و نمونه، بهترین شیوه تربیتی است. الگو پایستی کامل، روشن و برجسته باشد که افراد به دنبال الگوهای کاذب نروند. در قرآن کریم، دو بار کلمه «اسوه» درباره دو نفر از پیامبران بزرگ الهی آمده است.

یکی از آن پیامبران، حضرت ابراهیم علیه السلام است (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ اليَوْمَ الآخِرَ (ممتحنه: ۶) همانا برای شما در روش ابراهیم و یارانش سرمشق و الگوی خوبی است، برای افرادی که به رحمت خدا و روز قیامت امیدوار باشند؛ و دیگری پیامبر عظیم‌الشان اسلام که خداوند می‌فرماید: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ اليَوْمَ الآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (احزاب: ۲۱) همانا برای شما در روش و سیره، رسول خدا «الگو» و سرمشقی نیکوست، برای کسانی که به خداوند و روز قیامت امید دارند و خدا را زیاد یاد می‌کنند».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «او (پیامبر) بخشنده‌ترین، دلیرترین، راستگوترین، خوش‌عهدترین و نرم‌خوترین مردم و رفتارش از همه بزرگوارانه‌تر بود. نظیر او را در گذشته و حال ندیده‌ام. » (طبرسی، ۱۳۹۴: ۵۱/۱، ح ۲۰).

پیامبر اسلام، در تمام موضوعات مثل گفتار، رفتار و کردار سرمشق است؛ زیرا فرمودند: (لکم فی رسول الله اسوه حسنه) (ممتحنه: ۶)، یعنی رسول خدا برای شما الگو است؛ و ادامه آیه می‌فرماید: کسانی می‌توانند پیامبر را الگوی خود قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و یاد خدا باشد (لمن کان



یرجوا الله و الیوم الآخر)

مرحله پنجم: معرفی

در سه جریان یوم الدار، یوم الغدیر و یوم الخمیس، پیامبر به طور رسمی و خطاب به عموم مردم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی نموده است؛ که در پایین، هریک از آنان را بیان می کنیم. البته به جز این سه جریان، روایات بسیاری در رابطه با معرفی حضرت علی علیه السلام به جانشینی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و آله آمده است که از بیان آنان در این نوشته خودداری می کنیم.

۱. یوم الدار

پس از سه سال دعوت مخفیانه، پیامبر به واسطه نزول آیه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (شعرا: ۲۱۴)، دعوتش را علنی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و آله خویشانش را دعوت کرد. پس از به هم خوردن جلسه اول توسط ابولهب، حضرت پیامبر در جلسه دوم، آنان را به اسلام دعوت کرده و فرمود: «کدام یک از شما مرا در این امر یاری می کند، تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟» این سخن که سه بار تکرار شد، تنها با لیبیک علی علیه السلام که در آن هنگام نوجوان بود، همراه گردید. پیامبر این لیبیک را پاسخ داد و علی علیه السلام را به عنوان برادر، وصی و جانشین خود معرفی کرد و به آن ها فرمود: «سخنان او را بشنوید و مطیع او باشید». مهمانان در حال خروج، با فقهه و تمسخر به ابوطالب گفتند: «پسرت را بر تو امیر قرار داد» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۲-۳۲۱).

۲. یوم الخمیس

در آخرین پنجشنبه حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و آله، آن حضرت از اطرافیانش خواست برای او قلم و پوستی بیاورند تا مطلبی را بنویسد که بعد از وی گمراه نشوند. در این هنگام، عمر گفت: «درد بر این مرد غلبه کرده، قرآن در میان شما هست، و کتاب خدا ما را کفایت می کند». بحث و مجادله بالا گرفت؛ عده ای سخن عمر را تأیید کرده و برخی خواستار آوردن قلم و پوست بودند. پیامبر از این نزاع ناراحت شد و از آنان خواست مجلس را ترک کنند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۸۵/۳).

۳. یوم الغدیر

بنابر روایات، چهار شب (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۷۴/۵)، و به قول برخی دیگر، پنج شب (طبری، ۱۳۸۷: ۱۴۸/۳) از ذیقعدة سال دهم هجری مانده بود که پیامبر همراه هزاران نفر برای ادای مناسک



حج از مدینه به طرف مکه حرکت کرد [برخی این تعداد را تا هفتاد هزار نفر نیز گفته‌اند]. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۶/۱). این سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله، حجة الوداع، حجة الاسلام و حجة البلاغ نامیده می‌شود. در آن ماه، امام علی علیه السلام برای تبلیغ اسلام در یمن بود (حلبی، ۱۴۲۷: ۳/۳۶۹-۳۶۸) و هنگامی که از تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله برای سفر حج آگاه شد، همراه عده‌ای به سمت مکه حرکت نمود و پیش از آغاز مناسک، به رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوست (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۱۷۱). اعمال حج پایان یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله همراه مسلمانان، مکه را ترک کرده و به طرف مدینه حرکت نمود. مسلمانان حج گزار، پنج‌شنبه ۱۸ ذی‌الحجه به غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از جمعیت، جبرئیل آیه تبلیغ را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد و از جانب خداوند، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر نمود تا علی علیه السلام را به‌عنوان ولی و وصی بعد از خود، به مردم معرفی کند. پس از نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور توقف کاروان را صادر نمود و گفت آنانی که پیشاپیش حرکت کرده‌اند، به محل غدیر بازگردند و کسانی که عقب مانده‌اند، به کاروان در غدیر خم، ملحق شوند (نسائی، ۱۴۱۱: ۵/۱۳۵). پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اداي نماز ظهر، خطبه‌ای ایراد کرد که به خطبه غدیر مشهور شد و در ضمن آن، دست علی علیه السلام را بلند نمود تا مردم او را ببینند و فرمود: «خداوند عزوجل، صاحب اختیار و ولی و معبود مردم است و پس از خداوند، فرستاده و پیامبر اوست و پس از پیامبر، علی ولی و صاحب اختیار و امام مردم است و پس از علی، امامت در فرزندان علی خواهد بود».

مرحله ششم: تأکید بر روند جانشینی

تأکید بر هر امری، تخطی نسبت به آن را به حداقل می‌رساند. در روند جانشین‌پروری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز همین موضوع صادق است. شکل‌گیری فرقی همچون زیدیه، اسماعیلیه، فاطمیون، و واقفیه در بطن تشیع، نشان از عدم التزام و معرفی شاخص‌های تأکیدشده در روند جانشینان پیامبر اسلام است. به‌طور کلی، شاخص‌های تأکید بر نظام جانشینی را در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود که به قرار زیر است:

۱. تأکید بر نظام جانشینی مبتنی بر فرایند

تأکید بر نظام جانشینی مبتنی بر فرایند، به روند ساختاریافته و مرتبط تعیین‌کننده جانشین گفته می‌شود. تأکید مبتنی بر فرایند باعث می‌گردد که برنامه جانشین‌پروری، طبق برنامه پیاده‌سازی شود. این روند در تعیین جانشینان انبیاء چنین است که جانشین باید از صلب آنان باشد؛ اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در



خطبه غدیر می‌فرماید: «ای مردم، ذریه و نسل هر پیامبری، از صلب خود اویند؛ اما ذریه و نسل من، از صلب علی هستند» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ نقوی، ۱۳۷۴).

۲. تأکید بر نظام جانشینی مبتنی بر فرد

برخلاف تأکید مبتنی بر فرایند، تأکید مبتنی بر فرد، بر جانشینی افرادی خاص تأکید دارد. مشهورترین حدیث در این خصوص، حدیث معروف جابر است. این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا نقل کرده؛ از این رو به حدیث جابر شناخته می‌شود. در حدیث جابر، به امامت امامان دوازده‌گانه شیعیان با ذکر نام هریک تصریح شده است.

پس از نزول آیه اطاعت^۱، جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ پرسید: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم، لازم است اولی الامر را نیز بشناسیم». پیامبر در پاسخ او فرمود: «آنان جانشینان من و امامان مسلمانان بعد از من هستند که اول ایشان علی بن ابیطالب است و بعد از او به ترتیب حسن، حسین، علی بن حسین و محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو در هنگام پیروی او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی نیز به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش همنام و هم‌کنیه من است. اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبتش طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند» (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۸۲/۲؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ۳۹۸/۳-۳۹۹).

در خطبه غدیر، پیامبر ﷺ نوه‌های خود حسن و حسین را به ترتیب به‌عنوان جانشینان خود پس از علی علیه السلام و آخرین جانشینش را «مهدی» علیه السلام معرفی می‌نمایند و از بیان نام سایر جانشینان، سخنی به میان نمی‌آید: «ای مردم، مقام و منزلتی که حسن و حسین نزد خدا و رسول او دارند، گوشزدتان کرده و ابلاغ نموده و متوجه‌تان ساختم که این دو تن، سرور جوانان بهشت‌اند و پس از من که جدّ ایشانم و بعد از علی، منصب امامت خواهند داشت و آخرین ایشان «مهدی» است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱).

۱. (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فإن تنازعتم فی شئی فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تأویلاً) (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.



عمادزاده، ۱۳۸۰)

۳. تأکید بر نظام جانشینی مبتنی بر تعداد

تعداد جانشینان رسول اکرم، هم از نظر برون‌مذهبی و هم از نظر درون‌مذهبی، مورد توجه بوده است. این موضوع، در شیعه به دلیل التزام به روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اهمیت و نقشی ویژه دارد. این نکته افزودنی است، روایات که به تعداد ائمه اشاره دارند از سوی انحراف‌یافتگان از حقیقت، دستخوش جعل، تحریف و سوء برداشت قرار گرفته و گروه‌های بسیاری راه خود را از شیعه اثنی عشری جدا ساختند (آل بویه و آیتی، ۱۳۹۴: ۱۴).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمود: «[خداوند] از ایشان دوازده وصی از اهل بیت را برگزید؛ درحالی که ایشان یکی پس از دیگری بهترین امتم هستند. هر زمان که یکی از ایشان بمیرد، دیگری می‌ایستد. مثل آن‌ها، مثل ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای پنهان شد، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند؛ چراکه ایشان امامان هدایت‌شده هستند» (هلالی، ۱۴۰۵: ۶۸۶/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۳/۸). در روایات اهل سنت نیز آمده است که پیامبر می‌فرماید: پس از من، دوازده نفر خلیفه خواهند بود (نیشابوری، بی‌تا؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۹: ۱۰۶/۵-۹۰).

۴. تأکید بر نظام جانشینی مبتنی بر زمان

در خطبه غدیر، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به مردم تأکید می‌فرماید: «ای مردم، من این ولایت را به‌عنوان امامت و ارث تا روز قیامت، در ذریه و نسل خود قرار دادم و با این کار، وظیفه‌ای را که به آن مأمور بودم، به پایان بردم» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ عمادزاده، ۱۳۸۰). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی به حضرت زهرا (س) فرمود: «پسران همسرت، تاقیامت اوصیای من هستند. همه‌شان هدایت‌گر هدایت شده‌اند و نخستین این اوصیا پس از من، برادرم علی، سپس حسن و حسین و پس از ایشان، نه نفر از فرزندان حسین هستند» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۶۳/۱).

مرحله هفتم: کسب حمایت

شاید بتوان این مرحله از جانشین‌پروری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خطبه غدیر، مهم‌تر از دیگر مراحل، و فلسفه ایراد خطبه غدیر را برای انجام این مرحله دانست. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم از حاضران در آن جلسه برای جانشینی علی علیه السلام و فرمانبرداری از او تضمین می‌گیرد؛ به گونه‌ای که به



گفته حضرت زهرا (س)، پس از آن برای هیچ کس عذری باقی نمی ماند. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِ وِلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي رَوْضِ غَدِيرِ خَمٍّ، مَثَلُ مَلَائِكَةٍ فِي سَجُودِهَا لِلْمَقَابِلِ حَضْرَةَ اَدَمَ علیه السلام اسْت، وَ مَثَلُ كَسَانِي كِهْ فِي رَوْضِ غَدِيرِ اَزْ وِلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام سَرْبَازِ زَدَنْد، مَثَلُ اِبْلِيسَ اسْت» (سید بن طاووس، ۱۳۷۶: ۶۵).

پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم، به چهار وجه از مردم برای جانشین خود کسب حمایت می کند.

۱. بشارت و انذار

در قرآن کریم، بیش از شصت بار مشتقات «بشارت»، و بیش از یکصد و بیست بار، مشتقات «نذر» به معنای ترس به کار رفته؛ و این اضافه بر واژه های مرادف با معنای این دو کلمه یا نزدیک به آن است (نقوی، ۱۳۷۴). به پیروی از قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در راستای تحکیم پیمان مردم برای جانشینی علی علیه السلام، از مژده دادن درست کاران به نعمت های الهی و ترساندن بدکاران از عذاب خداوند بهره برده است و در خطبه غدیر، خطاب به مردم می فرماید: «خداوند در مورد او (علی) بشارت ها و انذارها داده است و خداوند وعده های خود را محقق خواهد ساخت. . . هرکس از علی پیروی کند، مشمول عنایت و رحمت حق خواهد بود. . . و کسانی که منکر ولایت علی گردند، خداوند توبه ایشان را هرگز نخواهد پذیرفت و هرگز آنان را مشمول عنایت و مغفرت خویش قرار نخواهد داد و خداوند، بر خود حتم و لازم فرموده که با آن کسانی که از فرمان علی سرپیچند، چنین رفتار کند و پیوسته تا جهان، باقی و روزگار، در کار است، ایشان را در شکنجه و عذابی سخت و طاقت فرسا معذب دارد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ عمادزاده، ۱۳۸۰).

۲. دعا

در سراسر خطبه غدیر، دعا در قالب مدح دوستان و مذمت دشمنان اهل بیت علیهم السلام تکرار شده است پیامبر صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبه می فرماید: «خداوند، هر آن کس که علی را دوست می دارد، دوست بدار و هرکس که با وی دشمن است، دشمن بدار. خداوند، هرکس که علی را انکار کند، لعنت کن و آن کس که پذیرای حق او نباشد، به خشم و غضب خود گرفتار ساز» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱)؛

۱. مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِهِمْ وِلَايَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ غَدِيرِ خَمٍّ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سَجُودِهِمْ لِاَدَمَ، وَ مَثَلُ مَنْ اَبَى وِلَايَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْغَدِيرِ مَثَلُ اِبْلِيسَ!



نقوی، (۱۳۷۴).

۳. اقرار

اقرار، به صورت زبانی گرفته شده، در انتهای خطبه، پیامبر خطاب به مردم می فرماید: «ای مردم، به فرمان خدا، مأمورم که از زبان هریک از شما اعتراف بگیرم که منصب فرمانروایی بر مؤمنان را که برای علی علیه السلام قرار داده‌ام، پذیرفته‌اید و نیز [مأمورم که] در مورد قبول امامت و ولایت امامانی که از نسل من و صلب علی علیه السلام می باشند، اقرار بگیرم» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ عمادزاده، ۱۳۸۰) سپس پیامبر صلی الله علیه و آله از همگان می خواهد که یک‌صداه به زبان آنچه می گوید را تکرار نمایند^۱.

۴. بیعت

آخرین وجه، بیعت است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم می خواهد دست تعهد و پیمان بشارند که آنچه از سوی حق تعالی درباره علی علیه السلام و امامانی که از نسل ایشان و علی علیه السلام به جهان خواهند آمد، پذیرفته باشند و مهدی (عج) را، قائم امامان و قاضی به حق تا روز واپسین بدانند. سپس مردم برگرد آن حضرت و علی علیه السلام ازدحام می کنند و هرکس با ایشان، مصافحه و بیعت به عمل می آورند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱؛ کریمی، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

آنچه از مجموع این نوشتار به عنوان الگوی جانشین‌پروری در سیره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به دست می آید، مبین این مطلب است که اولاً جانشین‌پروری، از وظایف نبی و تثبیت‌کننده امر نبوت است و تنها مختص پیامبر اسلام یا تعداد معدودی از انبیاء نبوده، بلکه امری فراگیر و ضروری در رسالت انبیاست و از آدم تا خاتم وجود داشته و پس از آن نیز در سیره امامان دوازده گانه ادامه می یابد؛ ثانیاً جانشین‌پروری پیامبر اسلام، به لحاظ مراحل و مؤلفه‌های آن‌ها، با جانشین‌پروری سایر انبیاء در قرآن و روایات یکسان بوده و پس از ایشان نیز این روند در سیره امامان با همان کیفیت مشاهده می گردد؛ ثالثاً این سیر، از ابتدای رسالت پیامبر آغاز گشته و تا آخرین لحظات حیات طیبه ایشان به طور پیوسته ادامه داشته است و مقطع زمانی خاصی را در بر نمی گیرد و یوم‌الغدیر، همان گونه که حضرت زهرا (س) داشته است و مقطع زمانی خاصی را در بر نمی گیرد و یوم‌الغدیر، همان گونه که حضرت زهرا (س)

۱. آنچه که در خصوص (ولایت) علی و امامان پس از وی که از صلب اویند از جانب حق تعالی به ما ابلاغ کردی، شنیدیم و در برابر آن مطیع و تسلیمیم و به آن امر، راضی و خشنودیم ...



می‌فرمایند، تنها اتمام حجت بوده است.

جدول زیر، الگوی جانشین‌پروری پیامبر اسلام را نشان می‌دهد که اشاره به چند نکته در آن حائز اهمیت است:



- خط مشی، اولین مرحله در فرایند جانشین‌پروری پیامبر اسلام است که به صورت مستقیم توسط خداوند تعیین شده و به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ می‌گردد تا از بروز افراط و تفریط از جانب مردم در خصوص جانشین پس از ایشان جلوگیری به عمل آید؛ همچنان که خود علی علیه السلام می‌فرماید: «در باره من دو گروه به هلاکت رسیدند: دوستدار افراطی، و دروغگوی بهتان‌زننده». به عبارت دیگر، پیامبر با خط مشی، مسیر تفکر، انتظارات و طرز برخورد مردم را نسبت به جانشین خود مشخص نموده؛ تا از این رهگذر، شیوه اندیشیدن و رفتار مردمی، با جایگاه ولایت منافات نداشته باشد.

- علم، قدرت، حسن سابقه و تقوا که در قرآن به عنوان شایستگی‌های جانشینی برای انبیاء آمده، بیان‌کننده توانمندی‌های عام مورد نیاز افراد برای تصدی منصب‌های مدیریتی می‌باشد تا بتوانند

پاسخ‌گویی نیازها و پیشامدهای منصب خود باشند. حوادث تاریخی، بیانگر آن است که عدم تشخیص و تنظیم شایستگی لازم برای جانشینی، منجر به چالش‌ها و بحران‌هایی برای جامعه و افراد تحت اختیار جانشین می‌گردد. نمونه این موضوع، در صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رقم خورد. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در مدت کوتاهی شایستگی‌های تعیین شده برای جانشینی و رهبری مردم به سرعت توسط افراد خاصی تغییر داده شد و جای خود را به الگوهای دیگری داد و افرادی به‌عنوان جانشین پیامبر بر سرکار آمدند که دارای شایستگی‌های تعریف شده نبودند. این درحالی بود که شایستگی‌های خودساخته نمی‌توانست پاسخ‌گویی نیازهای منصب خلافت باشد و چالش‌های بسیاری را برای حکومت نوپای اسلامی و جامعه مسلمان رقم زد. جمله معروف لولا علی لهلك عمر، شاهی بر این مدعاست.

- در فرآیند جانشین‌پروری پیامبر اسلام و سایر انبیاء، انتخاب فرد شایسته توسط مدیر ارشد (خداوند) صورت گرفته و مدیر (پیامبر)، تنها وظیفه معرفی را بر عهده دارد. این انتخاب، گاه بدون آزمون و گاه همراه با ارزیابی و ارزش‌یابی افراد مدعی در شرایط، موضوعات و مکان‌های مختلف صورت می‌گیرد و هدف از اجرای آن‌ها، علاوه بر شناسایی فرد شایسته، نشان دادن شایستگی‌های آن فرد به سایر مدعیان جانشینی و زیردستان است.

- در الگوی جانشین‌پروری پیامبر اسلام، چهار شاخص فرآیند، فرد، تعداد، و زمان تبیین گشته و بر آن تأکید می‌شود تا بسان دیوارهایی مانع از نفوذ، انحراف، بدعت و سردرگمی در خصوص جانشین گردد. در طول تاریخ، هرگاه دستگاه‌های تبلیغاتی اسلامی [بخصوص شیعیان] در معرفی هریک از این ابعاد ضعیف عمل کردند، منجر به شکل‌گیری یک فرقه انحرافی گردید؛ از آن جمله می‌توان به فرقی مانند واقفیه (توقف در امام موسی کاظم) و فاطمیون (طرح مهدیون پس از مهدی) به دلیل انحراف در تعداد، اسماعیلیه (معتقد شدن به امامت محمد بن اسماعیل)، و زیدیه (اعتقاد به امامت زید بن علی) به دلیل انحراف در فرد اشاره کرد.

- کسب حمایت زیردستان، آخرین مرحله در فرآیند جانشین‌پروری پیامبر اسلام است که از وظایف نبی برای جانشین خود تعریف شده و باید در اواخر زمان حیات وی صورت پذیرد. کسب حمایت، باید عمومیت داشته و همراه با تفهیم و اختیار زیردستان باشد. این مرحله، مرحله تثبیت جانشین است که در صورت شکست، نتیجه کل فرآیند را به صفر می‌رساند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که الگوی استخراج شده از سیره پیامبر اکرم برای جانشین‌پروری را می‌توان



به‌عنوان یک الگوی جانشین‌پروری اسلامی با حفظ مراحل و مفاهیم کلی به شرط تطبیق با شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی جهت پرورش مدیران در سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز مختلف به کار بست. همچنین این الگو می‌تواند به‌عنوان معیاری، هم در بعد مدیریتی و هم در بعد دینی برای تحلیل و تفسیر رویدادهای تاریخی همچون شکل‌گیری فرقه‌های مذهبی، بحران‌های سیاسی، نارضایتی‌های اجتماعی و... به کار گرفته شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، تحقیق: سید أبوالمعاطی النوری، بیروت: انتشارات عالم الکتب، ۱۴۱۹ ق.
۴. آل بویه، قنبر علی، آیتی، نصرت الله، «بررسی روایات جانیشینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بازتیین انحصار آن در عدد دوازده»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳۷، ص ۱۴۵-۱۶۵، ۱۳۹۴ ش.
۵. امینی، عبدالحسین، الغدیر، انتشارات: کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویراستاری: احمد قدسی، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۹ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، تنظیم و ویراستاری: غلامعلی امین دین. قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۹۰ ش.
۸. حبیبی افروزی، یونس، پیام ماندگار غدیر: گذری موضوعی به خطبه غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۴ ش.
۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، مترجم: احمد جنتی، نشر بین الملل، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. حلبی، علی بن ابراهیم، السیره الحلبیه، مصحح: خلیلی، عبدالله محمد، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
۱۱. راوندی، قطب الدین سعید، قصص الأنبیاء، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. رضائیان، علی، «مبانی سازمان و مدیریت»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. روحانی معین، داوود، ترجمه خطبه غدیر به انضمام داستان غدیر از زبان امام باقر علیه السلام، انتشارات بهار دل‌ها، ۱۳۹۱ ش.



۱۴. سیدبن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة (اقبال الاعمال)، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۶ش.
۱۵. شیخ مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، انتشارات دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۷. صدوق، محمدبن علی، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲، ۱۳۹۰ق.
۱۹. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲۰. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: محمدباقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. طبرسی، رضی الدین، مکارم الأخلاق، مترجم: سید احمد احمد زاده، انتشارات نورالزهرا، ۱۳۹۴ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، مترجم: محمدحسین ساکت، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸ش.
۲۳. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الملوك)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۷ق.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحكام، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۲۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۶. عمادزاده، حسین، ترجمه و شرح خطبه غدیر: عهدنامه امامت مذهب جعفری (تشیع اثنی عشری)، انتشارات گلستان ادب، ۱۳۸۰ش.
۲۷. قمی، علی بن محمد، تفسیر قرآن، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۲۸. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودّة لذوی القربى، چاپ استانبول، ۱۳۰۲ق.
۲۹. کریمی، زهرا، غدیر خم: تحلیل تاریخی و مفاد حدیث غدیر خم در الغدیر، انتشارات حریم دانش، ۱۳۹۷ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.



۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، تاریخ پیامبران (حیوه القلوب)، تهران: انتشارات سرو، ۱۳۷۸ش.
۳۳. محمدی اشتهاری، محمد، داستان دوستان، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۳۴. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۵. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
۳۶. نقوی، محمد تقی، شرح و تفسیر خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، ویراستار مهدی جعفری، انتشارات منیر، ۱۳۷۴ش.
۳۷. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، تحقیق: اسماعیل بن احمد طرابلسی، انتشارات دارالطباعة العامره، ۱۳۲۹-۱۳۳۴ق.
۳۸. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۰۵ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی